خارج فقه جلسه 132 - افعال الوضوء - 14/04/1401

موضوع: (فصل فی افعال الوضوء - حد مسح پا - اقوال - ادله)

بسم الله الرّحمن الرّحيم

الحمد لله رب العالمين والصّلاة والسلام على محمّد وآله الطاهرين والّلعنة الدائمة على اعدائهم اجمعين

مسئله ۲۴: در مسح سر بین طول و عرض فرقی بین انحراف و غیر آن ندارد مثلاً در مسح از بالا به پایین مستقیم نکشد بلکه منحرف بکند چون آیه ﴿وامسحوا برؤسکم﴾ مطلق است و انحراف را شامل می‌شود.

واجب چهارم در وضو (مسح دو پا): دو امر بحث می‌شود:

امر اول: واجب در اینجا کشیدن تری دست بر روی پا است و دلیل هم آیه و هم روایات است اما آیه ﴿وامسحوا برؤسکم و ارجلکم الی الکعبین﴾ است. برای «ارجل» دو قرائت آمده یکی به جَر هست که عطف بر لفظ «برؤسکم» است مثل قرائت ابن کثیر و دوم به نصب است که عطف بر محل «برؤسکم» منصوب است بنابر قرائت نافع و کسایی و عاصم. حال به هر دو قرائت، آیه دلالت بر وجوب مسح دارد نه شستن و غَسل.

إن قلت: برخی احتمال داده‌اند که «ارجلکم» منصوب خوانده شود و عطف به «وجوهکم» و «ایدیکم» بشود که همان طریق وضو گرفتن عامه می‌شود.

قلت: این احتمال خلاف قاعده نحوی است چون در فاصله شدن بین معطوف و معطوف علیه اگر فاصله اجنبی باشد جایز نیست. چگونه می‌گویید بین «ارجلکم» و «وجوهکم» یک جمله اجنبی بنام ﴿وامسحوا برؤسکم﴾ فاصله بیفتند و اجنبی است چون مسح غیر از شستن است.

اما روایات: متواتر هست و سید مرتضی در الانتصار[[1]](#footnote-1) می‌فرماید روایات درین زمینه زیاد است به عدد سنگ‌ریزه­ها.

امر دوم: حد مسح پا چقدر است؟ از سر انگشتان تا کعب یعنی آن قبه‌ای که نزدیک مفصل پا است و فقط شهید اول در ذکری[[2]](#footnote-2) مخالفت کرده که مسمای مسح کافی است و تا کعبین لازم نیست و مرحوم محدث بحرانی قائل به احتیاط مستحب شدند اما ادله طرفین:

اما دلیل مشهور: آیه شریفه که ﴿و امسحوا برؤسکم و ارجلکم إلی الکعبین﴾ است و «الی» برای غایت است.

توضیح ذلک: ما در این آیه دو «إلی» داریم یکی ﴿«الی المرافق»﴾ و دوم ﴿«الی الکعبین»﴾ و هر دو یک وجه مشترکی دارند که غایت برای ممسوح و مغسول است یعنی منتهی‌الیه واجب در شستن دست، مرفق و در مسح دو قبه روی پا است و غایت برای خود مسح و غَسل نیست. نظیر آن در عرف است که میگویند مثلاً «از اینجا تا آنجا جارو کن» این جارو کردن وقتی با «إلی» می‌آید این «إلی» غایت برای جارو نیست بلکه مال آن زمینی است که باید تمیز شود اما اینکه برعکس مسح شود یا از نوک انگشتان به سمت بالا مسح شود آیه مطلق است؛ پس دلالت آیه در مورد حد شستن است.

بله این اطلاق، مقید دارد و آن روایات است مثل اخبار بیانیه که در آن روایات وضوی پیامبر بیان شده است و هرگز پیامبر از مرفق به سمت انگشتان شروع نکردند لذا در آنجا گفتیم اخبار بیانیه مقید اطلاقات غَسل و شستن است اما در اینجا در باب مسح مقیدی نداریم نه مقید لفظی؛ متصل یا منفصل -یعنی روایاتی نداریم که الزام کند مبدأ مسح باید از نوک انگشتان باشد- همچنین مقید لبی مثل اجماع هم نداریم. نتیجه اینکه در اینجا می‌توان از نوک انگشتان به سمت بالای پا و هم از بالای پا به سمت نوک انگشتان کشید و لذا باید دنبال روایات رفت چون آن حدی که در اخبار بیانیه بود همان مسح کعبین بود اما اشاره نشد که حتماً مسح کعبین از نوک انگشتان به بالا باشد لذا باید دنبال روایات بود که منکوس جایز است یا نه؟

الحمد لله رب العالمين والعاقبة للمتقين

1. الانتصار ص ۲۵ [↑](#footnote-ref-1)
2. الذکری ج ۲ ص ۱۵۲ [↑](#footnote-ref-2)